نجات معجزه آسای یک زن از چاه پس از ۵ روز

زنی که به درون چاه متروکه در بیابان‌های شهرستان سیرجان سقوط کرده‌بود، پس از پنج روز نجات پیدا کرد.

به گزارش جوان، سرهنگ محمدرضا ایران‌نژاد، فرمانده انتظامی شهرستان سیرجان توضیح داد: روز گذشته مردی چوپان به مأموران پلیس خبر داد که زنی به درون چاهی متروکه در بیابان سقوط کرده‌است. وقتی مأموران کلانتری ۱۴ و امدادگران در محل حاضر شدند مرد چوپان گفت: در حال چرای گوسفندان بودم که متوجه ناله‌ای از درون یک چاه شدم.

وقتی بربالای چاه حاضر شدم دیدم که یک نفر به درون چاه سقوط کرده است که پلیس و امدادگران را با خبر کردم. بعد از آن بود که امدادگران زن جوان را از قعر چاه خارج کرده و به بیمارستان سیرجان منتقل کردند. زن جوان بعد از درمان اولیه گفت که پنج روز قبل در حال رفتن به سمت روستای ملک‌آباد بود که ناگهان به درون چاه سقوط کرد که خوشبختانه با حضور چوپان از مرگ نجات پیدا می‌کند.

مردان پاکستانی به میز محاکمه رسیدند

سه مرد پاکستانی که در جریان درگیری با زن ایرانی مرتکب قتل شده بودند، در حالی محاکمه می‌شوند که جرمشان را گردن دو همدست فراری‌شان انداخته‌اند.

به گزارش جوان، سوم اسفندسال ۹۸، مأموران کلانتری ۱۷۲ حضرت عبدالعظیم از کشف جسد زن جوانی در حاشیه شهرری باخبر و راهی محل شدند. مأموران بعد از حضور در محل با جسد زن جوانی روبه‌رو شدند که داخل یک روفرشی پیچیده و داخل کانال آب حوالی زمین‌های کشاورزی رها شده‌بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مرد میانسالی که مأموران را باخبر کرده بود در توضیح گفت: «صاحب باغی حوالی شهرری هستم و تعدادی گوسفند دارم. امروز مرد چوپان می‌خواست گوسفندانم را برای چرا به زمین‌های اطراف ببرد که یکباره تماس گرفت و گفت جسد زن جوان را داخل کانال آب پیدا کرده است.» با ثبت این توضیحات و تشخیص هویت مشخص شد جسد متعلق به زن ۳۹ساله به نام توران است که مدتی قبل دختر خردسالش را به خانواده‌ای در یکی از روستاهای اطراف سپرده بود.

به این ترتیب پلیس، خانواده سرپرست آن دختر را مورد تحقیق قرار داد. وی گفت: «توران را می‌شناختیم او بعد از مرگ شوهرش همراه دختر خردسالش در روستای قلعه‌نو و در خانه متروکه زندگی می‌کرد. او وضع مالی خوبی نداشت و موقعیت خانه‌اش جای مناسبی برای بزرگ کردن بچه نبود. این شد که توران دخترش را به ما سپرد تا از او نگهداری کنیم. در این مدت دختر خردسال را مانند فرزندان خودمان مراقبت کرده‌ایم. باور کنید از سرنوشت توران اطلاعی ندارم و نمی‌دانم چه کسی یا کسانی او را کشته‌اند.»

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه مرد جوانی تبعه پاکستان که به اتهام سرقت موتورسیکلت بازداشت شده بود در روند بازجویی‌ها لب به اعتراف گشود و به قتل زن جوان با همدستی چهار نفر از دوستانش اقرار کرد. او در شرح ماجرا گفت: «توران تنها زندگی می‌کرد. ما او را می‌شناختیم و با او رابطه داشتیم. روز حادثه همراه صالح، قنبر، مراد و احمد به خانه توران رفتیم. بعد با هم درگیر شدیم و در آن درگیری او را خفه کردیم و سپس جسد را داخل کانال آب رها کردیم و گریختیم.»

با اقرارهای مرد پاکستانی، صالح و قنبر شناسایی و بازداشت شدند. آنها در روند بازجویی‌ها قبول کردند که با مقتول درگیر شده‌اند، اما مدعی شدند مراد و احمد در قتل زن جوان نقش داشتند.

با اقرارهای سه متهم، تلاش برای شناسایی و دستگیری دو متهم دیگر ادامه داشت اما پلیس نتوانست ردی از آنها به دست آورد.

به این ترتیب کیفرخواست علیه سه مرد پاکستانی صادر و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب متهمان بعد از تعیین شعبه به زودی محاکمه خواهند شد.

عاشق پراید ۱۱۱ مادربزرگ را کشت!

قاتل: در اینترنت روش‌های سرقت را جست‌وجو کردم و به شیوه بیهوش کردن رسیدم!

پسر دانشجویی که متهم است، برای خرید پراید، پدربزرگش را مسموم کرده و مادربزرگش را به قتل رسانده‌است، حادثه را شرح داد.

به گزارش جوان، روز شنبه اول آذر به مأموران پلیس تهران خبر رسید زوج سالخورده‌ای به طرز مشکوکی مسموم شده و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌اند.

بررسی‌های مأموران پلیس در بیمارستان نشان داد این زوج ۷۵ و ۸۵ساله که خانه‌شان در خیابان مولوی است، ساعتی قبل در حالی که بیهوش بودند دخترشان آنها را به بیمارستان منتقل کرده‌است.

در بررسی‌های بعدی مأموران دریافتند یک روز بعد زن ۷۵ساله بر اثر مسمومیت شدید به کام مرگ رفته‌است، اما شوهر وی همچنان روی تخت بیمارستان بیهوش است و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

پس از فوت زن سالخورده دختر وی در توضیح ماجرا گفت: «پدر و مادرم با هم زندگی می‌کردند و من و خواهر دیگرم هر روز به آنها سر می‌زدیم.

چند روز قبل برادرم که از همسرش جدا شده و در کشور ترکیه زندگی می‌کند با من تماس گرفت و گفت پسر ۲۹ساله‌اش به نام پژمان قرار است به خانه مادربزرگ و پدر بزرگش برود و از من خواست مقداری پول به کارت پژمان واریز کنم تا برای آنها چیزی بخرد. ۲۰۰هزار تومان به کارت پژمان واریز کردم و خبر داشتم که او ظهر روز اول آذر به خانه پدر و مادرم رفته و ناهار را با آنها خورده‌است. من عصر همان روز با مادرم تماس گرفتم که نه پدرم و نه مادرم به تلفن من جواب ندادند که مشکوک شدم و به خانه آنها رفتم و دیدم هر دوی آنها بیهوش روی زمین افتاده‌اند و وسایل خانه آنها هم به هم ریخته است. الان من به پژمان مشکوک هستم و احتمال می‌دهم او پدر و مادرم را به خاطر سرقت اموالشان مسموم کرده باشد.»

■ نوه‌ام قاتل است

بدین ترتیب مأموران تحقیقات درباره این حادثه را ادامه دادند تا اینکه سه‌روز بعد از حادثه مرد سالخورده در بیمارستان به هوش آمد و راز مسمومیت مرگبار را بر ملا کرد.

وی گفت: «روز حادثه نوه‌ام از بیرون سه پرس کوبیده همراه سه عدد دوغ خریده بود که به خانه‌مان آمد و گفت برای من و همسرم ناهار خریده و قرار است همراه ما ناهار بخورد. او غذا را گرم کرد و سفره را انداخت و از من و همسرم خواست با او ناهار بخوریم و ما هم خوردیم. دقایقی بعد پژمان از ما خداحافظی کرد و رفت که دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه ساعتی قبل وقتی روی تخت بیمارستان به هوش آمدم تازه فهمیدم نوه‌مان چه بلایی سر من و همسرم آورده است.»

■ دستگیری متهم

با بدست آمدن این اطلاعات مأموران پلیس به‌دستور قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران پژمان را به عنوان مظنون در قتل مادر بزرگش تحت تعقیب قرار دادند و در نهایت وی را روز سه شنبه ۱۸ آذر بازداشت کردند.

متهم در بازجویی‌ها منکر جرم خود شد، اما صبح دیروز وقتی به دادسرای امور جنایی منتقل شد به مسموم کردن پدربزرگ و قتل مادربزرگش اعتراف کرد.

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

پژمان چرا تصمیم به قتل پدربزرگ و مادربزرگت گرفتی؟

من فقط می‌خواستم آنها را برای چند ساعتی بیهوش کنم و اصلاً قصد قتل نداشتم.

اما مادربزرگت به قتل رسید؟

بله، الان هم خیلی پشیمان هستم. باور کنید من نمی‌خواستم او را به قتل برسانم.

قصد سرقت داشتی؟

بله، پدربزرگم در خانه‌اش تابلوفرش ۴۰۰ میلیون تومانی داشت که تصمیم گرفتم آن تابلوفرش را سرقت کنم.

معتادی؟

نه، البته چند سال قبل معتاد به مواد مخدر گل شدم که مدتی قبل ترک کردم و الان هم دانشجوی کاردانی رشته برق هستم، اما به خاطر مشکلات مالی که داشتم چند ترمی مشروط شده‌ام و الان پس از پنج‌سال هنوز موفق به گرفتن کاردانی‌ام نشده‌ام.

به خاطر هزینه دانشگاه تصمیم به سرقت گرفتی؟

نه، من عاشق پراید ۱۱۱ هستم و شب و روز فکر می‌کردم که پشت فرمان پراید ۱۱۱ نشسته‌ام و رانندگی می‌کنم و در انتظار روزی بودم که آن را بخرم، اما به خاطر مشکلات مالی نتوانستم بخرم تا اینکه خودرو گران شد.

از اینکه نمی‌توانستم به آرزویم برسم خیلی ناراحت بودم که تصمیم گرفتم تابلوفرش را سرقت کنم و با فروش آن یک خودرو پراید ۱۱۱ بخرم و با بقیه پول آن هم مشکلات مالی دیگرم را حل کنم.

چرا از پدرت کمک نگرفتی؟

پدرم پنج‌سال قبل از مادرم جدا شد و به ترکیه رفت و از آن روز به بعد هم من همراه مادرم زندگی می‌کنم و الان هم یک‌سال است که پدرم به خاطر کرونا و هزینه بلیت رفت و برگشتش که حدود ۱۵ میلیون تومان می‌شود به ایران نیامده است و من چطور از او می‌خواستم برای من پراید ۱۱۱ بخرد.

تابلوفرش را سرقت کردی؟

نه، آن روز هر چقدر خانه را گشتم پیدا نکردم که بعد فهمیدم عمه‌ام مدتی قبل تابلوفرش را به خانه خودش برده است.

چند روز قبل نقشه را طراحی کردی؟

من روز قبل برای سرقت به خانه آنها رفتم اما ترسیدم و به خانه‌مان برگشتم تا اینکه در اینترنت روش‌های سرقت را سرچ کردم که یکی از روش‌ها سرقت به شیوه بیهوشی بود و در نهایت همان روز تصمیم گرفتم با این روش دست به سرقت بزنم.

درباره روز حادثه توضیح بده.

آن روز من ابتدا داروی بیهوشی خریدم و بعد به طرف خانه مادربزرگم به راه افتادم و در نزدیکی خانه آنها از رستورانی سه پرس کباب همراه سه عدد دوغ خریدم. من دو عدد از دوغ‌ها را با دارو مسموم کردم.

وقتی وارد خانه مادربزرگ و پدربزرگم شدم به آنها گفتم که برای آنها کباب خریده‌ام و بعد هم سه نفری خوردیم که آنها بیهوش شدند. سپس هر چقدر خانه آنها را گشتم اثری از تابلوفرش پیدا نکردم و در نهایت از خانه‌شان بیرون آمدم.

بعد چه شد؟

وقتی فهمیدم آنها به بیمارستان منتقل شده‌اند به عیادتشان رفتم و حتی در مراسم خاکسپاری و عزاداری مادربزرگم شرکت کردم و فکر نمی‌کردم که دستم رو شود تا اینکه دستگیر شدم.

داماد خشمگین: برادرزنم خط و نشان می‌کشید، کشتمش!

مرد جوانی که در شب جشن تولدش، تحت تأثیر مصرف مشروب، برادرزنش را به قتل رسانده‌بود، در جلسه دادگاه ماجرا را شرح داد.

به گزارش جوان، ۲۱ تیرسال ۹۸، مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد از قتل مرد جوانی در یک منزل مسکونی باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به تیرداد ۳۰ساله بود که در جریان درگیری با شوهرخواهرش با ضربه چاقو کشته شده‌بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، خواهر تیرداد که بهت زده و گریان در محل حادثه حضور داشت به مأموران گفت: «شب تولد شوهرم بود و در منزل مادرم برای او جشن گرفته بودم. در آن مهمانی شوهرم و برادرم به خاطر خوردن مشروب حال طبیعی نداشتند به همین خاطر شروع به کری‌خوانی کردند. وقتی به خانه‌مان برگشتیم برادرم نیز همراهمان آمد. این شد که آنها دوباره درگیر شدند و در آن درگیری شوهرم با چاقو برادرم را کشت.»

با این توضیحات، کیارش ۳۵ساله بازداشت شد.

او در همان بازجویی‌های اولیه به قتل برادرزنش اعتراف کرد و بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد. پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه بعد از تعیین وقت روی میز هیئت قضایی شعبه‌دهم دادگاه قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و با قبول اتهامش در شرح ماجرا گفت: «شب حادثه همسرم در خانه مادرش برایم جشن گرفته‌بود. برادر همسرم نیز در آن مهمانی حضور داشت. در آن جشن بعد از خوردن شام من و تیرداد با هم مشروب خوردیم و در حال مستی با هم بحث کردیم و او برایم خط و نشان می‌کشید. خلاصه جشن تمام شد اما تیرداد همراه من و همسرم به خانه‌مان آمد.»

متهم ادامه داد: «تیرداد وقتی وارد خانه شد گفت قصد تسویه حساب دارد. از آنجایی که حال طبیعی نداشتیم با هم درگیر شدیم. به حرف‌های تیرداد اهمیتی ندادم و به اتاق خواب رفتم و خوابیدم، اما لحظاتی بعد همسرم پریشان بالای سرم آمد و گفت برادرش شیشه پنجره را شکسته و قصد دارد خودزنی کند. هراسان بیدار شدم و به طرف تیرداد رفتم که دیدم او در حالی که عصبانی است قصد خودزنی دارد. به زور شیشه را گرفتم و او را از خانه‌ام بیرون کردم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «تیرداد دست بردار نبود و دوباره مقابل در خانه آمد و شروع به داد و فریاد کرد. دیر وقت بود به خاطر رعایت حال همسایه‌ها یک کارد آشپزخانه برداشتم و مقابل در رفتم تا او را بترسانم و آرامش کنم، اما او همچنان فحاشی می‌کرد. این شد که کنترل اعصابم را از دست دادم و چند ضربه با چاقو به گردن و شکم او زدم. باور کنید مقتول با فریادها و کری‌خوانی‌هایش مرا عصبانی کرد و به خاطر اینکه کنترل اعصابم را از دست دادم مرتکب قتل شدم. از اولیای‌دم درخواست گذشت دارم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

زورگیران خشن کرمانشاه گرفتار پلیس شدند

سارقان خشن که پس از ضرب و جرح زن رهگذر در شهرستان کرمانشاه از او سرقت کرده و انتشار فیلم‌شان جنجال زیادی در فضای مجازی به پا کرده‌بود سرانجام بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سردار علی‌اکبر جاویدان فرمانده انتظامی استان کرمانشاه گفت: یازدهم آذرماه به دنبال انتشار کلیپ زورگیری خشن از زن جوانی در محله‌فرهنگیان شهرستان کرمانشاه مأموران پلیس در این باره تحقیق کردند. براساس کلیپ منتشر شده راننده و سرنشین خودروی پراید با چاقو به زن رهگذر حمله کرده و پس از ضرب و جرح اموال وی را سرقت کرده و از محل متواری می‌شوند.

کارآگاهان پلیس در جریان بررسی‌های اولیه متوجه شدند که پلاک خودروی پراید سرقتی است. کارآگاهان اما در جریان تحقیقات فنی موفق شدند سارقان را شناسایی کنند. بررسی‌های بعدی نشان داد که متهمان به شهرهای شمالی و مرکزی کشور گریخته‌اند که مخفیگاه آنها را شناسایی و در عملیات همزمان سه سارق را بازداشت و در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه سلاح کمری و مقداری مهمات کشف کردند.

ویزیت ۱۵ میلیونی پزشک قلابی

پزشک قلابی که قبلاً به اتهام دندانپزشکی به زندان افتاده‌بود، این بار بیماران پوست را درمان و از آنها ویزیت ۱۵میلیون تومانی دریافت می‌کرد که بار دیگر بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: چندی قبل به مأموران پلیس آگاهی کرج خبر رسید که مردی با جعل شماره نظام پزشکی، خودش را پزشک متخصص پوست معرفی کرده و در مطب‌های شهر در حال درمان بیماران است. بررسی‌های کارآگاهان پلیس در این باره نشان داد که متهم با جعل هویت و مدارک یکی از پزشکان در چند کلینیک و مطب بیماران را درمان می‌کند. بعد از تأیید اطلاعات بود که کارآگاهان پلیس راهی مطب پزشک قلابی در عظیمیه کرج شده و او را در حالی که مشغول درمان یک بیمار بود، بازداشت کردند.

بررسی سوابق متهم نشان داد که وی از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً با معرفی خودش به عنوان دندانپزشک مشغول درمان بیماران شده‌بود. همچنین مشخص شد که متهم سه ماه قبل و بعد از طی کردن دوران محکومیتش این بار با جعل پزشک متخصص پوست بیماران را درمان می‌کرد که بازداشت شد.

در شاخه دیگری از تحقیقات معلوم شد که متهم تاکنون ۳۰۰نفر را ویزیت کرده که ۲۰نفر از شاکیان شناسایی شدند. بررسی‌های پلیس همچنین نشان داد که متهم از هر بیمار مبلغ ۱۵میلیون تومان دریافت کرده بود.

یکی از شاکیان گفت که پزشک قلابی با برقرار رابطه دوستی به خانه او دستبرد زده و دستگاه لیزر پوست وی را سرقت کرده‌است. چهار نفر از شاکیان هم گفتند که متهم چهار دستگاه پزشکی تقلبی را به قیمت گزافی به آنها فروخته است که از او شکایت دارند.

سرهنگ نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: در حال حاضر ارزش کلاهبرداری متهم ۸۰۰میلیون تومان است و تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد. وی از کسانی که به این شیوه هدف کلاهبرداری قرار گرفته‌اند خواست برای اعلام شکایت و تشکیل پرونده به پلیس آگاهی استان‌البرز در میدان طالقانی ابتدای بلوار تعاون مراجعه کنند.

بازداشت اشرار تیرانداز غرب تهران

چهار مرد شرور که با تیراندازی در محله‌های غرب تهران باعث وحشت عمومی شده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ سعید راستی رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت تهران گفت: در چند روز گذشته کلیپی در فضای مجازی دست به دست شد که نشان می‌داد اشرار با عربده‌کشی و تیراندازی در محله شهران و بزرگراه یادگار امام باعث تشویش اذهان و وحشت ساکنان شده‌اند. بررسی‌های پلیس در این باره نشان داد عاملان حادثه چهارنفر از اشرار این دو محل هستند که به خاطر اختلاف شخصی با ساکنان محل دست به رفتار مجرمانه زده‌اند. در شاخه دیگری از تحقیقات بود که چهار مرد شرور تحت تعقیب قرار گرفته و در مخفیگاه‌هایشان در شهر پرند و خیابان سازمان آب بازداشت شدند. مردان شرور در اولین بازجویی‌ها به جرائم خود اعتراف کرده و با تشکیل پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۳۴۱۶۵۴

آگهی مفقودی
تمام مدارک اعم از برگ سبز، سند مادر، سند کمپانی و بنچاق خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ایران ۱۵ - ۶۱۸ ن ۲۶ به شماره موتور 10FSD83592368 و شماره شاسی ۰۰۸۰۶۰۴۷۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی
کارت پرسنلی به شماره ۵۰۵۹۹۲۵۳۲۳ زندان تبریز متعلق به آقای علی جنابیه فرزند حسن با کدملی ۵۰۰۴۰۰۰۶۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی
بدینوسیله به اطلاع می‌رساند اصل شناسنامه آقای سید محسن قاسم زاده فرزند سید عباس تاریخ تولد: ۱۳۶۹/۵/۲ متولد مهران با کدملی ۴۵۲۰۰۲۹۴۸۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. ایلام

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه آقای علی اصغر عبدی مالک سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۲۵۴ فرعی از ۱۵- اصلی بخش ۹ مشهد به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک یک قطعه زمین به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل دفتر ۲۱۴ صفحه ۵۰۶ شماره ثبت ۳۶۶۳۲ ثبت و سند مالکیت به شماره ۴۵۵۸۷۰ صادر گردیده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار اگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.
م الف: ۵۸۰/ حمیدرضا افشار
ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس

آگهی مفقودی
برگ سبز، برگ کمپانی و سند نقل و انتقالات خودرو سواری پژو تیپ پارس مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۸۵۷ س ۷۷ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۹۶۷۲۰ و شماره شاسی NAAN01CA4CE279944 متعلق به خانم مریم معصومی مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی
سند کمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۴ به رنگ خاکستری متالیک و شماره پلاک ایران ۹۶ - ۳۱۲ ب ۵۳ به شماره موتور ۱۰۱۳۰۸۴۰۲۰۳۱۴ و شماره شاسی ۱۰۸۲۴۶۶۲۳ متعلق به آقای سید مهدی شمسی نژاد با کدملی ۴۵۷۹۳۴۹۸۶۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. دامغان

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری ریو تیپ ال اس ۱۵۰۰ مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ایران ۵۶ - ۴۱۱ ج ۴۶ به شماره موتور 1058791 و شماره شاسی NAS61002291160275 متعلق به آقای بابک سیفی با کدملی ۲۷۲۰۶۷۵۰۸۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گیلان

آگهی مفقودی
سند کمپانی موتورسیکلت پیشرو 200CC مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۶۷۹ - ۲۴۱۱۶ به شماره موتور 0197N5P202541 و شماره شاسی N5P***200D9593466 متعلق به آقای مصیب سیاه جمسی فرزند اله داد با کدملی ۲۴۹۱۷۳۹۱۳۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز